نگاه

سازمان اطلاعات و امنیت رژیم پهلوی از آغاز تا پایان

پایان ساواک، پایان سلطنت

نیما احمدپور

سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در واقع محصول کودتای امریکایی ۲۸ مرداد علیه دولت دکتر مصدق بود. این سازمان در سال ۱۳۳۵ در فرمانداری نظامی تهران تشکیل شد و پس از تصویب قانون تشکیل آن در همین سال در مجلس سنا و سپس مجلس شورای ملی، از اوایل سال ۱۳۳۶ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. هدف از تشکیل این سازمان مبارزه با کمونیسم، ایجاد امنیت و تمرکز نیروهای امنیتی عنوان شد، ولی ساواک در عمل پا را از حدود وظایف قانونی خود فراتر نهاد و با ایجاد رعب و وحشت و حاکم کردن جو خفقان و سرکوب سعی داشت از فروپاشی پایه‌های نظام دیکتاتوری شاه جلوگیری کند، لذا با کنترل و زیر نظر گرفتن دولتمردان و کارکنان و کارمندان ادارات، نمایندگان مجلس شورای ملی، سناتورهای مجلس سنا و احزاب دولتی سعی می‌کرد از رسوخ نیروهای مخالف رژیم در بدنه دولت جلوگیری و هر مخالفتی را در نطفه خفه کند. حتی ساواک تلاش کرد به انحای مختلف در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های وزرا و رؤسای سازمان‌ها، نمایندگان مجلس، سناتورها و نیز احزاب دولتی دخالت کند و به همین منظور سعی می‌کرد نیروهای مورد قبول خود را در پست‌های کلیدی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و... بگمارد. از سوی دیگر سرکوب گروه‌های مخالف به عهده ساواک بود و بدین منظور بر اساس سیاست‌های رژیم و شاه در مورد هر کدام از آنها حربه ویژه‌ای به کار می‌برد. نیروهای چپ و حزب توده از آغاز تأسیس ساواک مهم‌ترین گروه مخالف رژیم به شمار می‌آمدند. ساواک پس از تأسیس به سرکوب افراد بازمانده این گروه پرداخت و بدین ترتیب فعالیت حزب توده و نیروهای چپ در ایران متوقف شد و حتی آنها در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ زمانی که دیگر گروه‌های سیاسی به مخالفت آشکار بر ضد رژیم پرداختند امکان فعالیت نیافتند. البته در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ چندین گروه چریکی که افکار مائوئیستی و چپ داشتند، درصدد مبارزه مسلحانه با رژیم برآمدند. ساواک که هرگز تحمل این گونه فعالیت‌ها را نداشت، با تمام قوا به سرکوب و نابودی آنها پرداخت، لذا هیچ‌کدام از گروه‌های مسلح موفق نشدند دست به یک مبارزه همه‌گیر و مردمی بزنند.

جبهه ملی و نیروهای ملی‌گرا دومین گروه مخالف رژیم محسوب می‌شدند. سیاست ساواک در مبارزه با

خبر برکناری رؤسای ساواک که در ۵۷/۷/۸ در روزنامه اطلاعات منتشر شد

این گروه «کنترل و نظارت بر فعالیت‌های آنها» بود و تا زمانی که فعالیت چشمگیری از سوی آنها مشاهده نمی‌شد و ساواک از جانب آنها احساس خطر نمی‌کرد، به کنترل و نظارت بر آنها اکتفا می‌کرد، ولی هرگاه اعضای این گروه‌ها شروع به فعالیت می‌کردند، درصدد جلوگیری از آن برمی‌آمد و با دستگیری و زندانی کردن رهبران و افراد برجسته این گروه‌ها جلوی فعالیت آنها را گرفت. روحانیون و در رأس آنها امام خمینی(ره) از دیگر گروه‌های مخالف رژیم بودند که به دنبال جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اوایل دهه ۱۳۴۰ به مخالفت آشکارا با رژیم و سیاست‌های شاه پرداختند. با افزایش مخالفت‌های آنها علیه رژیم ساواک مأمور جلوگیری از ادامه فعالیت آنها شد. فعالیت‌های ضد رژیم روحانیون از آنجا که از پایگاه عمیق مردمی برخوردار بودند، رژیم را سخت به وحشت انداخت، لذا ساواک با حربه‌های گوناگون ـ همچون تحبیب روحانیون، تقویت روحانیون موافق و تضعیف مخالفین، کنترل هیئت‌های مذهبی و... ـ تلاش کرد از فعالیت‌های آنها جلوگیری کند. ساواک تا اواسط سال ۱۳۵۶ توانست با سیاست‌های مختلف خود علیه مخالفان و نیز کنترل دولتمردان، کارمندان دولت و... به حفظ و بقای حاکمیت رژیم پهلوی کمک کند. در نتیجه فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد. فرضیه‌ای که بیان می‌کند: «ساواک با اعمال شکنجه‌های جسمی و روانی مخالفان رژیم و پخش شایعات و تبلیغات کذایی و در نتیجه ایجاد جو اختناق، رعب و وحشت در بین مردم از یک سو و شناسایی و سرکوب نیروهای مخالف سیاسی ـ مذهبی از سوی دیگر و همچنین کنترل دولتمردان و نمایندگان مجلسین بسان چشم و گوش شاه نوعی امنیت ظاهری، اما دروغین و شکننده ایجاد کرد که حداکثر تا پاییز ۱۳۵۶، اوج‌گیری انقلاب اسلامی توانست به بقای حاکمیت مطلقه پهلوی کمک کند، اما با بالا گرفتن اعتراضات مردمی به‌ویژه اوج‌گیری نهضت مردمی ـ مذهبی امام خمینی(ره) ساواک دیگر نتوانست به تداوم حیات رژیم کمک کند.»

ساواک برخلاف عملکرد خود در سال‌های متمادی، از ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۶ در روزهای اوج‌گیری نهضت مردم و پیروزی انقلاب اسلامی عملاً از صحنه فعالیت دور افتاد و فعالیت چشمگیری در سرکوب مبارزان از سوی این سازمان دیده نشد، حتی تحلیلگران و مفسرین اطلاعاتی ساواک نیز توانستند با ارائه راه‌حل‌های بموقع و مناسب جلوی رشد فزاینده انقلاب اسلامی را بگیرند.

نمایی از کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک که هم‌اینک به «موزه عبرت ایران» تبدیل شده است

نظری و گذری بر آخرین طرح ساواک برای تسلط بر ایرانِ ۵۷

تدبیری که ره به «هیچ» برد!

شاهد توحیدی

۳۵ سال قبل در چنین روزهایی، سازمان اطلاعات و امنیت کشور مشهور به «ساواک» واپسین تلاش‌های خود را برای تسلط بر اوضاع کشور به کار بست. در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ و به دنبال بالا گرفتن اعتصاب‌ها و تظاهرات، ساواک که خود یکی از عوامل به وجود آورنده این اوضاع بود، با ارائه طرحی در صدد کنترل اوضاع و ایجاد امنیت عمومی برآمد.

چند و چونِ یک طرح

ساواک در مهرماه ۱۳۵۷ در یک گزارش تفصیلی پس از بررسی اوضاع به وجود آمده، پیشنهادهایی را که نشان‌دهنده عدم درک صحیح از وضعیت پیش‌آمده است، مطرح کرد. این پیشنهادها عبارتند از: «...*الف. ایجاد یک جریان فکری متشکل، سالم و جاذب ملی که از تمام جنبه‌های ملی ـ مذهبی، انسانی و فرهنگی ایران ریشه گرفته باشد و بتواند در شرایط کنونی مملکت جاذبه لازم را از نظر در برگرفتن گروه‌های مختلف ملی فراهم آورد و در واقع توانایی بسیج ملی را داشته باشد...(۱)*»

این پیشنهاد در حالی صورت می‌گرفت که خود ساواک در طول ۲۰ سال موجودیتش همیشه درصدد ایجاد تفرقه بین گروه‌های مختلف بود و برای بقای حکومت شاهنشاهی تمامی جریانات فکری و ملی و مذهبی را سرکوب کرده بود. همچنین رژیم سعی زیادی برای از بین بردن فرهنگ اصیل اسلامی ـ ایرانی مردم و جایگزین کردن فرهنگ غرب داشت.

«*ب. استفاده از متفکرین جامعه‌شناس برای شناخت بهتر جامعه و نیازهای آن و تأثیر دادن برداشت‌ها و نقطه نظرهای متفکرین در تصمیم‌گیری و اقدامات مختلف.*»

به همین منظور افرادی چون احسان نراقی که به دلیل افکار انتقادجویانه خود تحت فشار ساواک بودند، مورد توجه قرار گرفته و برای بررسی مشکلات به دربار برده شدند.

«*پ. به کار بردن تدابیر کارسازی که بتواند معنویات و اخلاقیات جامعه را از حالت بیمارگونه و فاسد کنونی نجات دهد و فضیلت تقوا، پاکدامنی و درست اندیشیدن را در سطح جامعه به‌ویژه گروه‌های مؤثر اجتماعی تثبیت کنند.*»

ساواک که خود سال‌ها درصدد از بین بردن معنویات و اخلاقیات جامعه کوشیده بود تا شاه‌دوستی را همگانی کند، در روزهای آخر عمر خود به فکر احیای آن می‌افتد!

«*ث. ایجاد یک سازمان متکی بر افکار و اندیشه‌های درست میهن‌پرستانه برای اصلاح امور تبلیغاتی کشور و تصفیه رسانه‌های گروهی از عناصر ناباب، مغرض و منحرف در جهت آن که بتواند خدمات دولتی را به طور کامل به مردم ارائه دهد، در آگاه‌سازی ملی بکوشند و با جنگ‌های روانی مبارزه مؤثر و قاطع به عمل آورد.*»

یکی از وظایف ساواک در طول مدت موجودیت آن سازمان نظارت مستقیم و غیر مستقیم بر چاپ و نشر کتب و مطبوعات بود. نیروهای ساواکی همچنین با نفوذ در دستگاه‌های تبلیغاتی کشور همچون رادیو و تلویزیون عملاً خواست‌های رژیم را به مردم تحمیل می‌کردند، ولی آنگونه که از این پیشنهاد برداشت می‌شود، سیاست سانسور و نظارت ساواک در سال‌های آخر حکومت پهلوی کارآیی خود را از دست داده بود و لذا ساواک پیشنهاد ایجاد یک سازمان مستقل برای اصلاح امور تبلیغاتی و... را داد.

«*ج. هر چه زودتر به مشکلات دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزش رسیدگی و این مشکلات خاتمه داده و به هر کیفیت ممکن آرامشی به محیط‌های علمی و دانشگاهی اعاده شود. در این مورد توجه به این نکته ضروری است که مشکل هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها می‌رود تا یک مشکل رسمی و همه‌گیر دانشجویان را به دنبال بیاورد و این موضوع از لحاظ امنیتی خطری جدی به نظر می‌رسد.*»

دانشگاه‌ها و دانشجویان نقش بسیاری در شکل‌گیری نهضت و مبارزات سیاسی مردم علیه رژیم داشتند. ساواک بدون توجه به این امر که خود یکی از عوامل مهم در بروز تشنجات دانشجویی و تشدید آن بود، این پیشنهاد را ارائه می‌کند. با اوج‌گیری انقلاب، اساتید و هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها نیز به صفوف به هم فشرده مردم مسلمان پیوستند. ساواک در دستورالعملی به همین منظور در آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۷ در صدد شناسایی، نفوذ و کنترل آنها بر آمد (۲).

«*چ. در مواردی که کارگران مؤسسات مختلف دولتی یا خصوصی یا کارکنان و بانک‌ها خواست‌هایی دارند، این خواست‌ها مورد رسیدگی قرار گیرد و آنچه که عملی و قانونی است فوراً اجابت شود و آنچه غیر معقول است به آنها توجه داده شود و بهانه و وسیله تحریکات از دست مغرضین خارج شود و به علاوه تدابیری برای رفع تبعیض در مورد حقوق و امتیازات کارکنان دولت در سازمان‌های مختلف دولتی اتخاذ شود، زیرا تبعیضات سبب بدبینی شدید کارمندان است.*»

این پیشنهاد زمانی صورت گرفت که اعتصاب و کم‌کاری در مراکز دولتی و خصوصی گسترش می‌یافت. دلیل عمده شروع آن نیز سختگیری‌ها و تبعیضاتی بود که علیه کارمندان و کارگران صورت می‌گرفت، ولی بعداً شکل مبارزه سیاسی به خود گرفت و اقتصاد مملکت را فلج کرد.

«*ح. با توجه به اینکه مضیقه‌های اعیانی [پولی] سبب رکود بازار بسیاری از صاحبان حرف و مشاغل آزاد شده است، به ترتیب کاملاً دقیق و حساب‌شده‌ای این مضیقه‌ها از میان برداشته شود تا رفاه پولی در بازار بتواند علاوه بر رفع نارضایی بازاریان در امر مضیقه پولی آنها را بیش از پیش سرگرم فعالیت اقتصادی کند تا دنباله روی از جنجال‌های بی‌ثمر سیاسی.*»

بازار و بازاریان نقش مهمی در پیشبرد اهداف نهضت داشته‌اند و هر گاه لازم می‌شد با تعطیلی مغازه‌ها و بازار به مبارزه علیه رژیم برمی‌خاستند. همچنین آنها با کمک‌های مالی خود مبارزین انقلاب را یاری می‌رساندند. در عین حال که خود نیز در صف مبارزه‌کنندگان علیه حکومت شاهنشاهی به پا خاستند.

«*خ. تنگناهای قابل پیش‌بینی از نظر مایحتاج اصلی مردم از هم‌اکنون برطرف شود تا در آینده مشکلات ناشی از تنگناها مزید بر علت نشود.*»

«*د. توجه سریع به مسئله کشاورزی و اتخاذ تدابیری در این زمینه به ترتیبی که بتواند مملکت را از این نظر هر چه کمتر از وابستگی به وارد کردن محصولات کشاورزی بیگانه برهاند و به مشکلات روستاهای کشور خاتمه دهد.*»

رژیم با اجرای برنامه‌هایی چون اصلاحات ارضی و نیز توجه به صنعت مونتاژ و خرید بیش از حد تسلیحات پیشرفته کشاورزی ایران را فلج کرده بود و ایران که قبلاً در زمینه محصولاتی چون گندم خودکفا بود، عمده نیاز خود را از خارج وارد می‌کرد. همچنین در اثر سیاست‌های غلط رژیم مردم روستاها را رها کرده و با هجوم به طرف شهرها مشکلات بسیاری را برای خود و رژیم به بار آورده بودند.

علاوه بر پیشنهادهای مذکور، ساواک در این طرح پیشنهادهای دیگری را نیز مطرح کرده بود که برای آشنایی از نظریات ساواک در ماه‌های آخر عمر رژیم به ذکر آنها اکتفا می‌کنیم: «ذ. اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تورم و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، به‌ویژه قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز عمومی»؛

«*ر. اگر چه تدابیری که در مورد کاهش دادن بهای مسکن به کار رفته تا حدودی کارساز بود. مع‌هذا مشکل مسکن هنوز از جمله مشکلات اساسی جامعه به شمار می‌رود. می‌توان صاحبان صنایع و کارخانه‌داران بزرگ را وادار به ساختن خانه برای کارگران و کارکنان خود کرد و با تخصیص اعتبار برای شرکت‌های تعاونی و مسکن و واحدهای مختلف در رفع مشکل مسکن گام‌های اساسی برداشت*»

«*ز. اگرچه مبارزه با فساد، دزدی، کم‌کاری، تبعیض و سایر ناهنجاری‌های موجود در دستگاه‌های اداری آغاز شده است، اما روند بسیار کند و مأیوس‌کننده‌ای دارد. این کار باید با سرعت، دقت، سختگیری و بدونِ ملاحظه آغاز و استمرار یابد تا مردم بپذیرند واقعاً روند اوضاع در جهت بهبود است.*»

«*س. بی‌تردید اکثر مراجع مذهبی در ایران با خمینی و اقدامات و افکار وی مخالف‌اند، اما واقعیت این است که مرعوب و عواملش هستند... باید آنها را به طریق مختلف تقویت کرد و با مشکل ساختن آنها به تدریج نیروی مؤثر در قبال خمینی به وجود آورد.*»

«*ش. در دادن امتیاز به مخالفین دولت باید با حوصله و بردباری و به دور از هر گونه تعجیل و شتابزدگی اقدام کرد. باید توجه داشت که توجه بیش از حد به مخالفین و اجابت درخواست‌های آنها آن هم به‌طور یکطرفه و بدون گرفتن امتیازات خاص نه‌تنها آنها را به جهت موافقت با حکومت تغییر موضع نمی‌دهد، بلکه جداً آنها را قوی‌تر می‌کند و به‌علاوه زیان عمده‌ای که دارد آن است که موافقین را ناراضی، مأیوس، مرعوب و از دست خارج می‌سازد*»

«*ص. باید با کسانی که برخلاف قانون عمل می‌کنند، شدیداً و برابر موازین قانونی برخورد کرد. این افراد و کسانی که اخلال‌گر، محرک و ضد رژیم هستند و فعالیت می‌کنند شدیداً تنبیه و سرکوب شوند. عدم سرکوبی این عده سبب تجری آنها و دست زدن به اقدامات وسیع‌تر می‌شود*»

«*ض. آزاد کردن زندانیان محکوم ضد امنیتی با سرعت و بدون در نظر گرفتن مصالح سیاسی مشکلی را بر مشکلات قبلی می‌افزاید بدون اینکه سبب انحراف آنان از افکار و اعمال ضد امنیتی شود. آزاد کردن این گونه زندانیان صرفاً باید در مورد مصالح سیاسی مملکت و در قبال امتیازات مهمی باشد.*»

«*ط. همه اقدامات دولت الزاماً باید از موضع قدرت نه از موضع ضعف در جهت مصالح ملی و سلطنتی صورت گیرد. اقدامات به‌گونه‌ای نباشد که جنبه باج‌دهی در قبال اعمال فشار مخالفین را به خود بگیرد و عناصر مخالف هر اقدام دولت را به حساب کارها و فعالیت‌های خود بگذارند. در این قبیل امور باید روان‌شناسی مردم ایران را که مجذوب قدرت صالح و سالم می‌شوند، مورد توجه قرار داد.*»

ساواک، نهادی که شاه آن را چشم و گوش خود می‌دانست با اوج‌گیری قیام اسلامی مردم ایران عملاً فلج شد و کارایی‌اش را از دست داد. دیگر در میان مردم دیوار توهم و ترس از ساواک شکسته شده بود و از ساواک نیز کاری ساخته نبود. یکی از خواست‌های مردم در آن روزها انحلال ساواک بود. دولت شریف‌امامی انحلال ساواک را در زمره اصلاحات و برنامه‌هایش قرار داده بود، ولی وقتی یکی از وزرای دولت شریف‌امامی پیشنهاد انحلال ساواک را به شاه داد، شاه ضمن رد آن، از قدرت و عظمت ساواک سخن گفته بود

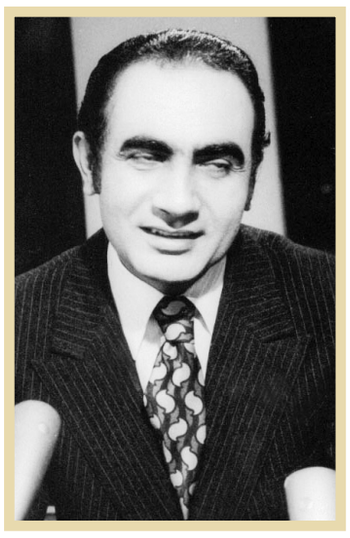

پرویز ثابتی رئیس اداره سوم ساواک

با نگاهی کلی به پیشنهادهای مذکور، می‌توان به عمق نگرانی و وحشت همه‌جانبه ساواک از اوضاع سیاسی ـ اقتصادی جامعه پی برد، اما ساواک و تحلیلگران آن به‌درستی ندای انقلابی مردم مسلمان ایران را نشنیده بودند و فکر می‌کردند مشکلات و نارضایتی‌های مردم بیشتر اقتصادی است، لذا اکثر پیشنهادهایی که ارائه شده در جهت بهبود اوضاع اقتصادی کشور است.

از طرف دیگر ساواک که با رو آوردن به مسائلی چون شکنجه و در زندان نگه داشتن زندانیان سیاسی که سال‌ها نتیجه معکوس داشته و حتی یکی از دلایل نارضایتی مردم نیز بوده است، فکر می‌کردند می‌توانند بر اوضاع مسلط شوند، اما روند انقلاب اسلامی نشان داد حتی دولت نظامی و حکومت نظامی نیز توانستند کنترل اوضاع را به دست بگیرند و رژیم پوشالی شاه محکوم به زوال و انحطاط بود.

کمک خواستن از دولت نظامی

در نیمه اول آبان، موج اعتراض و اعتصاب دولت شریف‌امامی را فلج کرد. شاه که بقا و دوامش را در تشدید سرکوب و کنار گذاشتن راه‌حل‌های سیاسی می‌دید، روز ۵ آبان در سخنانی که از رادیو و تلویزیون پخش شد، ضمن اعلام خبر تشکیل دولت نظامی پیامی خطاب به مردم فرستاد و به اشتباهات سال‌های گذشته اعتراف کرد. شاه گفت پیام انقلاب مردم را شنیده است. وی بار دیگر سوگند یاد و تعهد کرد دیگر خطاها، بی‌قانونی‌ها و ظلم و فساد گذشته تکرار نشود و آنچه را مردم ایران برای به دست آوردنش قربانی داده‌اند، تضمین کند. شاه دولت نظامی را دولتی موقتی خواند و گفت در پی برقراری نظم یک دولت ملی را بر سر کار می‌آورد، اما واقعیت چیز دیگری بود. ساواک در گزارش توجیهی برای مراکز خود این واقعیت را بیان کرده بود که شاه فرمان دولت نظامی را صادر کرد تا ارتش قاطعانه و با قدرت تمام به آرام کردن اوضاع و سرکوبی هر گونه جنبش بپردازد (۳).

ساواک و توسل به تظاهرات فرمایشی

ساواک و دیگر نهادهای وابسته به رژیم پهلوی پس از اعلام دولت نظامی از هاری به فکر ایجاد نمایش‌هایی در تأیید این حرکت رژیم برآمدند. ساواک طی دستورالعملی که به‌خوبی مفهوم آن راه‌اندازی یک تظاهرات فرمایشی بود، مراکز خود را به کمک خواند: «از آنجا که در شرایط کنونی عناصر میهن‌پرست و شاه‌دوست درصدد برمی‌آیند دست به تظاهرات ملی و میهنی در نقاط مختلف کشور بزنند و ممانعت از آنها مقدور نیست، توجه به نکات زیر ضروری و حتمی است:

۱ـ این تظاهرات به هیچ‌وجه نباید جنبه انتقام‌جویی از مخالفین و غارتگری، تخریب، آتش‌سوزی و ضرب و جرح به خود بگیرد. تظاهرات میهنی باید با توجه به دستورات قبلی کاملاً آرام، مؤثر و ثمربخش از لحاظ جلب اعتماد مردم باشد.

۲ـ تظاهرات ملی و میهنی باید در شأن شخص اول مملکت باشد. در میان اجتماع تظاهرکننده باید شخصیت‌های موجود ملی و حتی استاندار، فرماندار، معتمدین محلی و سایر طبقات با لباس مرتب و حفظ نظم کامل به راهپیمایی آرام دست بزنند... چنانچه بتوان روحانیون را با چنین اقدامی همراه ساخت، آثار فوق‌العاده‌ای خواهد داشت...(۴)»

هدف رژیم از برگزاری این تظاهرات جذب مردم و ایجاد آرامش در سایه حکومت و دولت نظامی بود، اما ساواک روز بعد در دستوری به مراکز خود از آنها می‌خواهد تظاهرات ضد رژیم مردم را به صورت جدی سرکوب کنند. این سیاست دوگانه ساواک که یک روز می‌خواست با راه‌اندازی تظاهرات فرمایشی به نفع شاه مردم را جذب کند و روز دیگر تصمیم می‌گیرد تظاهرات مردم را سرکوب کند، راه به جایی نبرد. ساواک که به نظر می‌رسید با روی کار آمدن دولت نظامی جان تازه‌ای گرفته است، آماده سرکوب جدی‌تر نهضت شد. بخشنامه ساواک مرکز برای سرکوب تظاهرات رژیم از این قرار است: «*در موقعیت حساس کشور و در مورد جلوگیری از تظاهرات اخلالگرانه و اغتشاشات و اعتصاب‌ها باید برخورد قاطع صورت گیرد تا از بروز و توسعه عملیات مزبور ممانعت به عمل آید. بدین منظور لازم است اقدامات در دو مرحله و با سرعت ظرف ۲۴ ساعت آینده آغاز شود. در مرحله اول در نقاطی که مقررات حکومت نظامی برقرار است، از فرمانداری نظامی و در سایر مناطق کشور، شورای تأمین استان و شهرستان فوراً عناصر محرک و عوامل گرداننده اعتصابات منطقه را که مورد شناسایی قرار گرفته‌اند به فرمانداری نظامی یا شورای تأمین استان و شهرستان احضار کنند و اگر حاضر نشدند، جلب کنند. معتمدین و عناصر ذی‌نفع و مشخص منطقه نیز محترمانه به فرمانداری نظامی یا شورای تأمین استان و شهرستان دعوت شوند. در حالی که دو گروه حضور دارند موارد تحریکات هر یک وضع حساس مملکت و تحریکاتی که از طرف عوامل خارجی صورت می‌گیرد، تشریح شود و به بیانیه تاریخی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر خطاب به ملت ایران اشاره و موارد، اقدامات و تحریکات هر یک از عناصر محرک این افراد هستند و اضافه شود که مرحله یک، اخطار است، چنانچه توجه نکنند و ادامه دهند تصمیمات شدیدی اتخاذ خواهد شد. در مرحله دوم سازمان‌های نظامی و انتظامی دستور دارند شدیداً و با قاطعیت با تظاهرات خشونت‌آمیز برخورد و کنترل کامل به عمل آورند. ضمناً تظاهرات ملی و میهنی موضوع شماره فوق باید با نظم کامل و بدون هرگونه بی‌نظمی ـ به ترتیبی که قبلاً گفته شد ـ صورت گیرد، در غیر این صورت جلوگیری شود. در این مورد به وزارت کشور و سازمان‌های انتظامی شرح لازم اعلام شده و استانداران دستور لازم دریافت کرده‌اند.*

طباطبایی (۵)»

و سرانجام انحلال!

ساواک، نهادی که شاه آن را چشم و گوش خود می‌دانست با اوج‌گیری قیام اسلامی مردم ایران عملاً فلج شد و کارایی‌اش را از دست داد. دیگر در میان مردم دیوار توهم و ترس از ساواک شکسته شده بود و از ساواک نیز کاری ساخته نبود. یکی از خواست‌های مردم در آن روزها انحلال ساواک بود. دولت شریف‌امامی انحلال ساواک را در زمره اصلاحات و برنامه‌هایش قرار داده بود، ولی وقتی یکی از وزرای دولت شریف‌امامی پیشنهاد انحلال ساواک را به شاه داد. شاه ضمن رد آن، از قدرت و عظمت ساواک سخن گفته بود. شاه ساواک را اختاپوسی می‌دانست که چند پا داشت؛ سیا، اینتلیجنس سرویس، موساد و کا گ ب پایه‌های آن سازمان اختاپوسی را تشکیل می‌دادند. شاه گفته بود: «هر کسی دست روی این اختاپوس بگذارد، با سر به داخل آن می‌رود، حتی من پادشاه ایران (۶).» انحلال ساواک مجددا در دولت دکتر شاپور بختیار که سیاست فریب افکار عمومی را در پیش گرفته بود، مطرح شد؛ لذا شاپور بختیار در روز چهارم بهمن ۱۳۵۷ لایحه انحلال ساواک (۷) را به مجلس برد تا شاید به خیال خود بتواند کینه و نفرتی را که ساواک با ۲۲ سال خیانت و خونریزی و به شهادت رسانیدن هزاران ایرانی مسلمان ایجاد کرده بود، یک شبه از دل ملت ایران بیرون ببرد. لایحه مذکور به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا رسید، ولی سیر سریع انقلاب اسلامی ایران در روزهای بعد از تصویب آن و پیروزی شکوهمند آن در ۲۲ بهمن ساواک را نیز مانند دیگر سازمان‌ها و نهادهای رژیم پهلوی از بین برد.

شاه گفته بود: «هر کسی دست روی این اختاپوس بگذارد، با سر به داخل آن می‌رود، حتی من پادشاه ایران.» انحلال ساواک مجدداً در دولت دکتر شاپور بختیار مطرح شد؛ لذا شاپور بختیار لایحه انحلال ساواک را به مجلس برد تا شاید به خیال خود بتواند نفرتی را که ساواک با ۲۲ سال خیانت و به شهادت رسانیدن هزاران ایرانی ایجاد کرده بود، یک شبه از دل ملت ایران بیرون ببرد

عکس یادگاری شکنجه‌گران. از راست: نادری‌پور، شهاب، هیراد، عطارپور و عقابی

پی‌نوشت:

(۱) آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده کد ۱۲۱۷۴/۱، سند ۲۵۱، صص ۶۵ـ۶۹

(۲) فرازهایی از تاریخ انقلاب...، صص ۱۱۴ـ۱۱۵، سند شماره ۱۳۵۷/۶/۱۶ـ۳۲۲/۱۶۲۱

(۳) همان، صص ۲۱۸ـ۲۱۹

(۴) همان، ص ۲۲۳، سند شماره ۵۷/۸/۱۶ـ۳۱۲/۸۴۷۰

(۵) همان، صص ۲۲۶ـ۲۲۷، سند شماره ۵۷/۸/۱۷ـ۳۱۲/۸۴۸۱

(۶) یادداشت‌های شخصی در مورد ساواک و نقش آن در سیاست‌های داخلی رژیم، ص ۵

(۷) جزوه «ساواک»، معاونت بررسی‌های استراتژیک (ضمیمه سوم)